

نقش و تاثیر رفاه اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان

دکتر رضا پریزاد^۱ و بختیار ملکی^۲

۱. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (نویسنده مسئول)

۲ دانشجوی دکتری رشته سیاستگذاری عمومی.

چکیده

امروزه مشارکت سیاسی، یکی از شاخص‌های عمده و اصلی نوسازی و توسعه سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود، اگر مشارکت سیاسی را روندی مبتنی بر بهره‌مندی خردمندان از فرصت‌ها و منابع و شرکت آگاهانه و داوطلبانه افراد در تعیین سرنوشت خود با هدف ایجاد جامعه‌ای نو در جهت دستیابی به کرامت انسانی، تامین و رفاه اجتماعی (سلامت و بهداشت، اشتغال، آموزش، تامین اجتماعی و...) بدانیم. آنگاه در مشارکت سیاسی عوامل مختلف، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی، رفاهی، تامین اجتماعی، شادکامی، و... اثر گذار هستند. لذا براساس نظریه‌گزینه‌های عقلانی هابرماس، این نوشتار به دنبال یافتن تاثیر رفاه اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان است. اگر بپذیریم که دستیابی به مشارکت سیاسی و میزان توسعه رفاه اجتماعی ارتباط، تاثیرگذاری و همپوشانی با یکدیگر دارند. آنگاه سوال اصلی این نوشتار این خواهد بود که رفاه اجتماعی چه نقش و تاثیری بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان دارد؟ فرضیه مطرح‌شده در پاسخ به سوال این است که بین میزان افزایش یا کاهش رفاه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی افراد جامعه رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد، روش مورد استفاده در این مطالعه (جمع‌آوری اطلاعات) کتابخانه‌ای است و از روش توصیفی - تحلیلی برای بررسی و تجزیه و تحلیل یافته‌ها استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: مشارک سیاسی، رفاه اجتماعی، الزامات مشارکت، توسعه، رفتار سیاسی، رفتار اقتصادی

مقدمه

در مورد مشارکت و تعریف آن گفته‌اند که تعریف مشارکت مردم، امری از پیش مشخص شده نیست، بلکه باید ابعاد آن را خود ترسیم کنیم. منظور از این سخن آن است که در باب مشارکت تعریف از پیش آماده شده‌ای وجود ندارد بویژه تعریفی که پذیرش همگانی یافته و جهانی شده باشد، بلکه باید با توجه به هدف و عرصه مورد نظر از آن تصویری ارائه شود (متین، نعمت اله، ۱۳۷۷، ۱).^۱ در جوامع غیر دموکراتیک تحقق مشارکت چندان عملی به نظر نمی‌رسد افزایش کنترل و نظارت حکومت بر منابع رفاهی احتمال مشارکت و رقابت سیاسی را کاهش می‌دهد و معمولاً در شرایط بحرانی ساختاری کنترل حکومت بر انواع منابع افزایش می‌یابد. از قرن شانزدهم میلادی و به دنبال فروپاشی نظام سیاسی کلیسا و ورود نظریه قرارداد اجتماعی به مباحث سیاسی و تاکید متفکران عصر روشنگری بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود، بحث مشارکت سیاسی و جامعه مدنی وارد ادبیات سیاسی مغرب زمین شد. از نیمه دوم قرن بیستم این مفهوم با نگرشی نو به موضوعی کلیدی بدل شده است. مشارکت در برخی از کشورهای صنعتی جهان در قلمرو اقتصادی و صنعتی شروع شد تا مردم را در مالکیت شریک گرداند و پایه‌های صنعت و اقتصاد را مستحکم سازد. با گسترش معنای مشارکت و راه یافتن آن به تمام عرصه‌های زندگی، امروزه سخن از ایجاد شرایطی است که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی پیدا کنند (شریف زاده، فتاح و صدقی، جواد، ۱۳۸۸، ۴۸).^۲ یکی از شرایط لازم برای تداوم مشارکت سیاسی، میزان برخورداری از رفاه اجتماعی^۳ است که در همه جوامع از اساسی‌ترین نیازهای اجتماعی محسوب می‌شود و افراد جامعه باید از آن برخوردار باشند (احمدی، احمد و رضایی، حسیبه، ۱۳۹۴، ۲۳۳).^۴ رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه، در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها، از اهداف آن است. یا مجموعه‌ای متشکل از خدمات، موسسات، و نهادهای اجتماعی که هدف آن کمک به افراد جامعه، گروه‌های مختلف و خانواده‌ها به منظور توفیق آنها برای وصول به یک زندگی مطلوب می‌باشد (لطیفی، غلامرضا و دیگران، ۱۳۹۶، ۷).^۵ همچنین رفاه اجتماعی به مجموعه شرایط و کیفیتی گفته می‌شود که نیازهای فردی، جسمی و روحی و اجتماعی آحاد جامعه را تامین کرده و در همه مردم احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به وجود می‌آورد.^۶

مفهوم و محتوای رفاه اجتماعی در طول چند دهه اخیر، بسیار دگرگون گشته است، در دهه ۱۹۷۰، گفته می‌شد که رفاه اجتماعی، مجموعه قوانین، برنامه‌ها و خدمات سازمان‌یافته‌ای است که هدف آن تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد جمعیت کشور می‌باشد.^۷ در طول سال‌های دهه ۱۹۸۰ رفاه اجتماعی، به مجموعه اقدامات و خدمات گوناگون اجتماعی در جهت برآوردن نیازهای افراد و گروه‌ها در جامعه و غلبه بر مسائل اجتماعی اطلاق می‌شد. در دهه ۱۹۹۰ رفاه اجتماعی، مجموعه شرایطی تلقی شد، که در آن خشنودی انسان در زندگی مطرح بود.^۸

^۲. Social welfare

^۶. هزارجریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا، آناتومی رفاه اجتماعی، تهران: جامعه و فرهنگ، ۱۳۹۱، ص ۱۶.

^۷ - زاهدی اصل، محمدرضا؛ مفاهیم رفاه اجتماعی و تامین اجتماعی (مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه)، جلد دوم، تهران، سمت، ۱۳۷۰، ص ۱۰۰.

^۸ - ماکارو، دیوید؛ رفاه اجتماعی (ساختار و عملکرد)، ترجمه، محمدتقی جغتایی و فریده همتی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، ۱۳۷۸، چاپ

مشارکت مشروط به برابری انسان ها و منوط به آزادی آنهاست در یک نظام مشارکتی فرض بر این است که مردم باید فرصت مناسب برای تأثیرگذاری بر سیاست ها و به دست آوردن مشاغل عمومی را داشته باشند و دولت نیز باید امکان رقابت را براساس شایستگی افراد مهیا کند. مشارکت به عنوان فرآیند قدرت گرفتن، نوعی گذر از حکومت‌های سنتی است، لذا هم با دشواری هایی روبرو است و هم تصور این که دولت‌ها و سازمان‌ها، بخشی از قدرت و اختیاراتشان را به دیگران واگذار کنند، کمی مشکل به نظر می‌رسد. مشارکت به عنوان روند کسب قدرت ناگزیر ساختارهای بوروکراتیک موجود را به مبارزه می‌طلبد، بنابراین طبیعی است اگر این ساختارها به یکی از اصلی‌ترین موانع بر سر راه مشارکت سیاسی تبدیل شوند.

با توجه به مطالب بالا و اهمیت ارتباط بین رفاه اجتماعی و مشارکت سیاسی، هدف این نوشتار ارزیابی رابطه رفاه اجتماعی و مشارکت سیاسی است. لذا سوال پیش روی این خواهد بود که میزان رفاه اجتماعی چه تاثیری بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان دارد؟ بر پایه این سوال در این نوشته متغیر مستقل میزان رفاه اجتماعی و متغیر وابسته مشارکت سیاسی است. فلذا فرضیه اصلی تحقیق عبارتند است از: به نظر می‌رسد میزان مشارکت سیاسی شهروندان، تابعی است از میزان افزایش یا کاهش سطح رفاه اجتماعی.

تعاریف و مفاهیم

– **مشارکت سیاسی**^۹: این واژه در مفهوم عام خود به میزان شرکت اقصاء مختلف مردم در موضوعات سیاسی اطلاق می‌شود (رحیق اغصان، علی، ۱۳۸۴، ۲۸۷) همچنین مشارکت سیاسی یکی از معیارهای مهم توسعه سیاسی است که همواره نقش موثری در برقراری ثبات سیاسی ایفا نموده و سیاستمداران آن را یک ضرورت دانسته اند (حسین آبادی، مهدی، ۱۳۹۶، ۸۴) و یا عبارت است از آن دسته فعالیت‌های ارادی و اختیاری که اعضای یک جامعه در آن مشارکت می‌کنند تا به وسیله آن در انتخاب حاکمان و سیاستمداران شرکت کنند و به طور مستقیم یا غیر مستقیم در سیاستگذاری‌های عمومی مشارکت می‌کنند (آفتاب آنلاین، یکشنبه ۲۴ آذر ۱۳۸۷)، مشارکت بحث بسیاری از اندیشمندان و دست اندرکاران بویژه در زمینه های مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است به گونه ای که به نظر برخی اندیشه گران محور اساسی توسعه همه جانبه بر مشارکت کلیه نیروها استوار است (متین، نعمت اله، ۱۳۷۷، ۴۴). هدف از مشارکت فعال کردن گروه ها و افرادی است که سابقاً نسبت به مسائل خود بی اعتنا بودند و حالت انفعالی داشتند (قوام، سید عبدالعلی، ۱۳۸۴، ۱۳۲).

– **شاخص های مشارکت سیاسی**: آنتونی بریج در کتاب مفاهیم و نظریه های دموکراسی مدرن فهرستی از انواع سنتی مشارکت سیاسی ارائه می‌دهد. در فهرست مذکور رای دادن در انتخابات ملی و مراجعه به آرای عمومی (فراندم)، تبلیغ و مبارزه انتخاباتی، عضویت فعال در یک حزب سیاسی و در یک گروه فشار، شرکت در تظاهرات سیاسی، اعتصابات صنعتی با هدفهای سیاسی، اقدامات در جهت تغییر سیاست عمومی، اشکال گوناگون تمرد مدنی (خودداری از پرداخت مالیات و اجتناب از رفتن به سربازی)، عضویت در کمیته های مشورتی حکومت، مشارکت مردمی در اجرای سیاستهای اجتماعی و مشارکت در مسائل زیست محیطی قرار دارند. (قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۹، ۱۴۰)

– رفاه اجتماعی^{۱۱}: تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت پذیری افراد جامعه، در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها، از اهداف آن است (لطیفی، غلامرضا، ۱۳۹۵، ۷) و یا رفاه اجتماعی عبارت از مجموعه سازمان یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاستهای است که در قالب موسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی انسان ارائه می‌شود تا زمینه تعالی و رشد او را فراهم سازد (زاهدی اصل، ۱۳۸۸، ۱۴)، همچنین رفاه اجتماعی به مجموعه شرایط و کیفیتی گفته می‌شود که نیازهای فردی، جسمی و روحی و اجتماعی آحاد

⁹. Political Participation

¹¹. Social Welfare

جامعه را تامین کرده و در همه مردم احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به وجود می آورد (هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا، ۱۳۹۱، ۱۶)، رفاه اجتماعی به عنوان اصلی ترین عنصر توسعه و توسعه انسانی - اجتماعی در ابعاد عینی و ذهنی (مادی و معنوی) مقولاتی را مطرح می سازد که میزان و چگونگی آنها تعیین کننده سطح توسعه یافتگی کشورها است (زاهدی اصل، محمد، ۱۳۸۸، ۱۴۱). در طول سال های دهه ۱۹۸۰، این مفهوم، به این شکل تغییر کرد؛ که «رفاه اجتماعی، به مجموعه اقدامات و خدمات گوناگون اجتماعی در جهت برآوردن نیازهای افراد و گروه ها در جامعه و غلبه بر مسائل اجتماعی» اطلاق می شد. در دهه ۱۹۹۰ «رفاه اجتماعی، مجموعه شرایطی تلقی شد، که در آن خشنودی انسان در زندگی مطرح بود (ماکارو، دیوید، ۱۳۷۸، ۱۰). ۱۵.

- شاخص های رفاه اجتماعی: سازمان ملل متحد نیز برای تعریف رفاه از مدل «شاخص های توسعه انسانی» استفاده می کند در این مدل شاخصهایی چون میزان آموزش، تحصیلات و میانگین طول عمر، همتراز با تولید ناخالص ملی هستند (شهرام نیا، سید امیرمسعود و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۶). همچنین شاخص های رفاه اجتماعی که در مطالعات قبلی مورد اشاره قرار گرفته اند به شرح ذیل ارائه می گردد. «آزادی، احساس برابری و عدالت اجتماعی، امنیت و انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی و فرهنگی، بیمه و تامین اجتماعی، سلامت روان و بهداشت و درمان، اشتغال یا بیکاری، آموزش، درآمد، رضایت از زندگی (شادکامی، امید به آینده، مسکن، تغذیه و پوشاک مناسب، و...، طی سالیان اخیر مفهوم رفاه به صورت جدی مورد توجه جامعه شناسان، اقتصاددانان و سایر رشته های مرتبط با توسعه قرار گرفته و شناخت الگوها و ابعاد آن یکی از مولفه های اساسی برنامه اجتماعی و اقتصادی تلقی شده است (ابراهیمی، مهدی، ۱۳۹۴، ۲۶)، شاخص هایی که در ایران توسط کارشناسان و محققان به کار گرفته شده است عبارتند از: آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، تغذیه، مسکن، اشتغال، جمعیت و نیروی انسانی، درآمد و هزینه، تامین اجتماعی و شاخص های فرعی نیز: گذران اوقات فراغت و دسترسی به تسهیلات فرهنگی، محیط زیست و امنیت فرد در برابر تجاوزات مالی و جانی (زاهدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

- رفتار سیاسی: به هر گونه مشارکت و درگیر شدن فردی و جمعی در فرایند سیاسی یا هر فعالیتی اطلاق می شود که در ارتباط با حکومت یا سیاست، پیامد سیاسی داشته باشد. این تعریف فراگیر، هم مشارکت مشروع سیاسی هم چون رای دادن در انتخابات، فعالیت در گروه هایی که اهداف و منافع خاصی را دنبال می کنند و جنبش های اجتماعی و هم فعالیت های سیاسی نامشروع یا غیر قانونی هم چون کودتا، تروریسم و انقلاب ها را در بر می گیرد. (حیدری، داود، ۱۳۸۷، ۱۶).

- تامین اجتماعی: در فرهنگ، وبستر «تامین اجتماعی عبارت است از اصول یا شیوه های اجرایی و یا هر برنامه ملی و عمومی (بیمه اجتماعی، حمایت ها و...) که در راه تامین اجتماعی و رفاه اجتماعی فرد و خانواده اش فراهم آید» (اخوان بهبهانی، علی؛ با همکاری، ایروان مسعودی اصل، ۱۳۹۶، ۱۹) در مفهوم خاص تامین اجتماعی، تنها خطرهای پیری، از کار افتادگی و مرگ و سرپرست خانواده را مورد توجه قرار می دهد و تلاش می کند تا پیامدهای منفی ناشی از آنها را رفع نماید (وصالی، سیدسعید؛ صفری شالی، رضا؛ معیری، مجتبی، ۱۳۹۴، ۵). ۲۰.

۱۳. هزارجریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا، آنا تومی رفاه اجتماعی، تهران: جامعه و فرهنگ، ۱۳۹۱، ص ۱۶.

۱۵. ماکارو، دیوید؛ رفاه اجتماعی (ساختار و عملکرد)، ترجمه، محمد تقی جغتایی و فریده همتی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، ۱۳۷۸، چاپ

- توسعه: اصطلاحی است که در مورد تحولات و دگرگونیهای عمده در جهت پیشرفت یا تجدد جوامعی که معروف به توسعه نیافته هستند، به کار می رود، به نظر گیروشه منظور از توسعه مجموعه اعمالی است که با توجه به برخی ارزشهای مطلوب، به تحقیقات منطقی در باره شرایط زندگی جمعی و فردی جهت می بخشد (توسلی، غلامعباس، ۱۳۷۴، ۸۵)، رفاه اجتماعی ضرورت انجام برنامه توسعه در تمام جوامع و بدون آن، توسعه در تمام ابعاد خود از جمله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرین با ناکامی خواهد بود (موسوی، میر طاهر و محمدی، محمدعلی، ۱۳۸۸، ۷)

- اقتصاد رفاهی: موضوعی است که به رابطه رفاه و اقتصاد می پردازد. اقتصاد رفاهی به شکلی گسترده در کاربست نظریه ها و مدل های اقتصاد رفاهی وارد می شود تا میزان عقلانیت و کارآمدی تصمیم گیری را افزایش دهد.

- روابط اجتماعی: از دیدگاه روان شناختی، آشکار شده است که روابط اجتماعی عنصری حیاتی از بهزیستی انسان است. روابط اجتماعی به واسطه همبستگی مثبت بین کنش متقابل، احساسات مشترک و درگیر شدن در فعالیت های مشترک کنترل می شود. به عبارت دیگر مردم برای حفظ بهزیستی به روابط مثبت و حمایتی و تعلق اجتماعی نیاز دارند (موسوی، میر طاهر؛ قاسم زاده، داود، ۱۳۹۶، ۱۰۰ و ۱۰۱)

- الگوهای رفاه اجتماعی: از ترکیب نظریه های «استیس ۲۱» و «گودین ۲۲» چهار الگوی رفاه اجتماعی به دست می آید: الگوی سنتی، الگوی برقراری مجدد عدالت اجتماعی، الگوی توسعه اجتماعی و الگوی جدید جهانی رفاه اجتماعی (ماکارو، ۱۳۷۸، ۱۴). به نقل از زاهدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۳)

- فرهنگ سیاسی: آلموند فرهنگ سیاسی را الگوی ایستارها و سمت گیریهای فردی نسبت به سیاست در درون یک نظام می داند وی در مورد جوامع سه نوع فرهنگ را مطرح می کند: فرهنگ سیاسی محدود که مخصوص جوامع اقتدارگرای صنعتی است و فرد به ندرت خود را به امور سیاسی مرتبط می سازد و از وجود آنها بی خبر است. - فرهنگ سیاسی تبعی که افراد رابطه ای انفعالی با نظام سیاسی دارند. - فرهنگ سیاسی مشارکتی که به عقیده آلموند در این فرهنگ افراد از مسائل سیاسی آگاه اند و می توانند تقاضاهای سیاسی مطرح سازند و حمایت سیاسی خود را در اختیار رهبران سیاسی مختلف قرار دهند. (سبزی پور، حامد، ۱۳۸۷، ۴۵)

مروری بر پیشینه و ادبیات پژوهش

تاکنون پیرامون مباحث مشارکت سیاسی و رفاه اجتماعی به صورت جداگانه، مطالعات زیادی انجام شده است. اما بررسی کارهای صورت گرفته قابل دسترس در خصوص این موضوع نشان می دهد پژوهش مشخصی به بررسی در مورد «نقش و تاثیر رفاه اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان» نپرداخته است. بلکه پژوهش های مورد مطالعه هر کدام جنبه هایی از رابطه رفاه و مشارکت سیاسی گروه مشخصی (مثلاً معلمان در شهرستان شهر مریوان) را مورد مطالعه قرار داده است که در ادامه به خلاصه برخی از کارهای صورت گرفته اشاره می شود.

- سیاستهای مقایسه ای: در این کتاب اشاره شده است که صولاً بحث مشارکت سیاسی در فرایند نوسازی مطرح می شود؛ زیرا توسعه اقتصادی و تحرکهای اجتماعی به تنشهایی میان گروههای مختلف می انجامد و ضمن ظهور گروههای جدید، گروههای موجود را در معرض تهدید قرار می دهد. (قوام، سید عبدالعلی، ۱۳۸۴)

- مفاهیم و نظریه های رفاه اجتماعی: کتابی است جامع در حوزه رفاه اجتماعی که با تاکید بر شناخت و گرد آوری نظریه های رفاه اجتماعی به رشته تحریر در آمده (موسوی، میر طاهر و محمدی، محمدعلی، ۱۳۸۸)

- رفاه اجتماعی: در این کتاب سعی شده است تا ضمن ترسیم مشخصه های اصلی مفهوم رفاه، نقش آن در بحث های سیاسی معمول تبیین گردد. موضوع رفاه در این کتاب در قالب مفاهیم سیاسی مانند عدالت، مساوات، آزادی و حقوق سایر افراد مورد بحث بررسی واقع شده است. (بری، نورمن پی، ۱۳۸۰/۱۹۹۴)

21. Estes

22. Goodin

- جامعه شناسی شادی: رویکرد اجتماعی و شناختی بر مطالعه شادی: در این کتاب بعد از طرح کلیات مطالعه شادی به عنوان یک موضوع جامعه شناختی و مفهوم شناسی اصطلاح شادی و نشاط اجتماعی ([از شاخص های رفاه اجتماعی]) به نظریه ها و عوامل موثر جامعه شناختی در نشاط یعنی سرمایه اجتماعی و اقتصادی پرداخته شده است، همچنین اشاره شده است که مشارکت اجتماعی و شبکه های اجتماعی موجب نشاط و سرزندگی برای افراد در سطح خرد و برای جامعه در سطح کلان را به وجود می آورد (میرطاهر، موسوی و قاسم زاده داود، ۱۳۹۶).

- مبانی رفاه اجتماعی: نویسنده معتقد است که مفهوم رفاه اجتماعی در جهان شرق و یا غرب و همچنین کشورهای دیگر که در سیاستها و برنامه های مختلف خود از جمله رفاه اجتماعی تبعیت از این دو قطب را دارند، نزدیک و مشابه هم بوده و تامین نیازهای مختلف اساسی افراد جامعه و تحقق تامین اجتماعی به مفهوم عام را هدف می گیرند. همچنین در این کتاب به بررسی چهار الگوی رفاه اجتماعی پرداخته شده است. (زاهدی اصل، محمد، ۱۳۸۸)

- واژگونی بوروکراسی: پیام اصلی کتاب این است که مدل بوروکراتیک دولتها و سازمانهای دولتی مدلی است بر آمده از ویژگیهای دوران صنعتی و با پشت سر گذاردن این دوران مدل مطلوب دولت برای روزگار کنونی دولت کار آفرین می باشد. (ازبر، دیوید و پلاستر، پیتر، ۱۳۸۵)

- احزاب سیاسی و خطی مشهای اقتصادی - اجتماعی: در این اثر اشاره شده است که هم افزایشی زیادی میان توسعه یافتگی سیاسی و توسعه یافتگی فرهنگی - اجتماعی وجود دارد، بعلاوه گفته شده که پیشینه سیاسی کشورهایی که از سنت مردم سالاری بهره وافی دارند نیز تایید کننده این نظر است که برای توسعه در ابعاد یاد شده پذیرش کثرت گرایی واجب دانسته شده است. همچنین تلاش شده است تا مقدمات و نمونه هایی از خط مش های اقتصادی و اجتماعی برای احزاب چپ و راست به طور جداگانه با هدف تنویر افکار دانش پژوهان ارائه شود. (شمس، عبدالحمید، ۱۳۹۵)

- مطالعه هکلو (۱۹۷۴) در خصوص توسعه سیاست های رفاه اجتماعی در انگلستان و سوئد نشان می دهد که چگونه کارگزاران مدنی در هر دو کشور یاد شده دارای نقسی عمده و بسیار بزرگتر از نقش احزاب و گروههای ذینفع در توسعه سیاستها هستند (پارسونز، واین، ۱۳۹۲، جلد اول، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، ۳۳۹)

- داونز در کتاب نظریه ای اقتصادی از دمکراسی به بحث در باره رابطه میان انگیزه رای دهنده و محاسبات اقتصادی، پرداخته است وی برتری و تقدم منافع شخصی را به مثابه توضیحی برای رفتار رای دهنده در مقابل رفتار مصرف کننده مطرح ساخت. (پارسونز، واین، ۱۳۹۲، جلد اول، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، ۳۳۰)

- محمد فرهادی و علی کاظمی در مقاله ای تحت عنوان «توسعه اقتصادی - اجتماعی، قومیت و مشارکت سیاسی» نوشتند که توسعه اقتصادی نزد ترکها و کردها با مشارکت ارتباط دارد؛ اما متأثر از عوامل فرهنگی، معانی متفاوتی به خود می گیرد. بنابراین مشارکت اقوام را باید با زمینه های قومی وارد شده در آن تفسیر و فهم کرد. نزد بلوچها ارتباطی بین مشارکت و عامل توسعه اقتصادی مشاهده نشد، (مجله مطالعات و تحقیقات در ایران، دوره دوم، شماره ۴، سال ۱۳۹۲، ص ۵۷۱-۵۹۷)

- زاهدغفاری هسجین، عبدالرضاییگیا و اکرم تصمیم قطعی در پژوهشی تحت عنوان: عوامل موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران، در یافتند که دانشجویان علوم سیاسی بیش از دانشجویان فنی برای مشارکت سیاسی تحت تاثیر رشته تحصیلی خود بوده اند. از طرف دیگر دانشجویان فنی بیشتر از دانشجویان علوم سیاسی برای مشارکت سیاسی تحت تاثیر فضای سیاسی دانشکده خود بوده اند. رابطه دانشکده محل تحصیل با مشارکت سیاسی در دو گروه رابطه معنادار نبود. (مجله دانش سیاسی، ۱۳۸۹، شماره ۱۲ ص ۲۷-۲۴۰)

- احمد احمدی و حسیه رضایی در مقاله ای ذیل عنوان رابطه رفاه اجتماعی با مشارکت سیاسی معلمان، مطالعه موردی: معلمان شهر مریوان، به این یافته رسیدند که در کل رفاه اجتماعی تاثیر مستقیم و معنادار بر مشارکت سیاسی گروه مورد مطالعه دارد (فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۳۹۴، شماره ۲۴ ص ۲۰۰-۲۳۶)

- سیدامیرمسعود شهرام نیا، بهروزصادقی عمرآبادی، علی ابراهیمی در تحقیقی علمی نوشتند که در مشارکت سیاسی عوامل گونا گونی موثر است- بین رفاه اقتصادی و مشارکت سیاسی گروه های مورد مطالعه رابطه مستقیم وجود دارد. فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۳۹۳، شماره ۱۹، ص ۱۶۰-۲۰۲)

- نیدلر طی مقاله ای در سال ۱۹۶۸ نشان داد که در کشورهای آمریکای لاتین میان توسعه سیاسی (به معنی گسترش مشارکت سیاسی مردم و رعایت قوانین اساس) با سطح توسعه اقتصادی (برحسب شاخصهای متعارف) رابطه همبستگی وجود دارد (بشیریه، حسین، ۱۳۸۰: ۱۶)

در مطالعات انجام شده کمتر به رابطه مستقیم میان رفاه اجتماعی و مشارکت سیاسی توجه شده است و بیشتر بر جنبه اقتصادی رفاه معطوف است، در مجموع تمام یافته ها بیانگر آن اند که رفاه مادی (رفاه اجتماعی) برای تحقق مشارکت سیاسی و به تبع آن دموکراسی مفید و موثر است زیرا که یکی از ویژگیهای عمده دموکراسی های چند طبقه ای سده بیستم در مقایسه با دموکراسیهای طبقاتی یا بورژوازی سده نوزدهم در غرب ظهور ساختار دولت رفاهی و مداخله منظم دولت در زندگی اقتصادی و اجتماعی به منظور ایجاد پشتوانه های اقتصادی لازم {رفاه اجتماعی} برای نگهداری از آزادیهای مدنی و سیاسی و اصل برابری حقوقی بوده است (بشیریه، حسین، ۱۳۸۶: ۲۲۹).

مبانی نظری پژوهش

می دانیم که کنش سیاسی اساساً کنشی عقلانی معطوف به هدف است و رویکرد اقتصادی به فعالیت اقتصادی با فرض عقلانیت آغاز می شود. لذا بر اساس دیدگاه عقل گرایی یورگن هابرماس در این بخش از نوشتار به بررسی موضوع پژوهش می پردازیم. نظریه انتخاب یا کنش عقلایی (نگرش ها و روشهای گزینش عقلانی را در آغاز اقتصاد دانان بر حوزه سیاست اعمال کردند) به علت مفروضاتی که در مورد ساختار اجتماعی و متغیرهای نهادی ارائه می دهد و به علت اهمیتی که برای معنای منفعت شخصی قائل است می تواند کمکی به طیف وسیعی از نظریه ها باشد، نظریه انتخاب عقلایی در حالی که پیچیدگی انگیزه انسانی را تشخیص می دهد چنین تصور می کند که افراد بدنبال منافع شخصی خود هستند (مارش، دیوید و استوکر، جری، ۱۳۷۸: ۱۳۳ و ۱۳۴) هابرماس معتقد است، با پیشرفت فرآیند عقلانی شدن «جهان زیست» ارزیابی انتقادی به تدریج جای عناصر فرهنگ سنتی و عقل ابزاری را می گیرد و از طریق ایجاد حلقه واسطه، گستره عمومی بین دو حوزه خصوصی و حکومت، امکان تفاهم عقلانی - ارتباطی بیشتر را فراهم می کند. (سیف زاده، سیدحسین، ۱۳۷۹: ۱۸۷) روشهای گزینش عقلانی در سیاست از اقتصاد خرد نئوکلاسیک الهام گرفته اند از این دیدگاه انسانها به عنوان کنشگران اقتصادی و سیاسی در پی کالاهای مطلوب خود هستند و می کوشند مطلوبیت آنها را افزایش دهند. (بشیریه، حسین، آموزش، ۱۳۸۲: ۷۱)، لاسول در سال ۱۹۵۱ هشت عامل موثر بر مشارکت سیاسی را قدرت، ثروت، رفاه، مهارت، میزان آگاهی و روش فکری، علاقه، احترام و صداقت دانست. (حیدری، داود، پیشین) به گفته مارکس انسان موجودی انتزاعی نیست که در خارج از جهان منزل کرده باشد بلکه انسان همان جهان اجتماعی، دولت و جامعه است، بدین سان افراد تنها در ارتباط با یکدیگر اهمیت و معنی می یابند. بنابراین در صحنه زندگی سیاسی و تاریخی همواره مجموعه ای از افراد که دارای روابط ساختاری و عینی معینی با یکدیگر هستند فعالیت می کنند (بشیریه، حسین، ۱۳۷۶، ۳۰). همچنین می گوید زمانی انسانها به شناخت خود دست می زنند که ابزار تولید معیشت خود را ساخته باشند. (سیف زاده، سیدحسین، ۱۳۷۹: ۱۲۱) ارتباطات، افراد جامعه را از حالت جدا یا منزوی خارج ساخته، همگن سازی یا به گفته ژان کازنو، توده سازی می کند. از طریق ارتباطات می توان شاخص های رشد و توسعه و زمینه های تحول در آموزش و پرورش، گسترش فرهنگ، بهداشت، مشارکت سیاسی، وحدت ملی و جامعه پذیری را فراهم آورد. (علوی، ۱۳۸۶، ۱۳) بر این اساس تحرک اجتماعی که بر اثر گسترش ارتباطات، تحصیلات، شهرنشینی و ارتقای وضعیت اقتصادی به وجود می آید، عامل اصلی مشارکت سیاسی است. (احمدی و رضایی، ۱۳۹۴: ۲۳۹) دانیل لرنر گسترش مشارکت سیاسی به عنوان شاخص اصلی دموکراسی را مستلزم وقوع چند مرحله توسعه پیاپی به ویژه گسترش شهرنشینی، گسترش

آموزش و توسعه وسایل ارتباط جمعی دانسه است به نظر او در همه جا گسترش شهرنشینی به افزایش سواد و آموزش و این نیز به نوبه خود به گسترش ارتباطات و آن هم به گسترش مشارکت سیاسی انجامیده است (بشیریه، حسین، ۱۳۸۲، آموزش: ۳۲۲). مشارکت در حیات اجتماعی انسان سابقه‌ای کهن و دیرینه دارد هرچند در دنیای جدید (از دهه ۱۹۷۰ به بعد) در ادبیات توسعه و در قالب رویکردهای مشارکتی مورد توجه واقع می‌شود در این دوره مفهوم مشارکت به عنوان مولفه کلیدی رویکردهای جدید توسعه در ابعاد متنوع و در عین حال پویا و متحول و به عنوان فرایند عمیق چند سویه در اشکال غایتی و ابزاری در فرایند توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد (رضایی، حسین، ۱۳۹۲، ۱۲). امروزه مشارکت بحث بسیاری از اندیشمندان و دست اندرکاران بویژه در زمینه‌های مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است به گونه‌ای که به نظر برخی اندیشه‌گران محور اساسی توسعه همه جانبه بر مشارکت کلیه نیروها استوار است (متین، نعمت اله، ۱۳۷۷، ۱). ۲۴. آتن معمولاً رستگاه کهن ترین نمونه دمکراسی شناخته می‌شود؛ جایی که عموم مردم در امور سیاست مشارکت داشتند و در باره در پیش گرفتن سیاستهای مشخص رای می‌دادند (اونیل، پاتریک، ۱۳۹۴، ۱۹۰) ارسطو معتقد بود که تنها در یک جامعه مرفه می‌توان شرایط را به وجود آورد که توده مردم از روی تعقل در امور سیاسی مشارکت داشته باشند (قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۲، ۴۹) از دیدگاه ساموئل هانتینگتون همچنان که توسعه اقتصادی تا اندازه‌ای به رابطه میان سرمایه گذاری و مصرف بستگی دارد، سامان سیاسی نیز تا اندازه‌ای به رابطه میان توسعه نهادهای سیاسی و تحرک نیروهای نوپدید اجتماعی به صحنه سیاست بستگی دارد (هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۹۶، ۲۵۲) به اعتقاد هانتینگتون و نلسون مشارکت سیاسی و اجتماعی تابعی از فرآیند توسعه اقتصادی - اجتماعی بوده که از دو طریق بر گسترش مشارکت اثر می‌گذارد. نخست از طریق تحرک اجتماعی است که کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی، احساس توانایی را در فرد تقویت می‌کند و نگرش را نسبت به توانایی‌های او در تاثیر نهادن بر تصمیم‌گیریها مساعد می‌سازد. این نگرش، زمینه مشارکت در سیاست و فعالیتهای اجتماعی را تقویت می‌کند. در این حالت، منزلت اجتماعی نهایتاً از طریق اثری که بر احساس توانایی و یا نگرش بی قدرتی می‌گذارد، بر مشارکت موثر می‌افتد (حسین‌زاده، علی حسین و فدایی‌ده‌چشمه، حمید، ۱۳۹۱، ۶۶). ساموئل هانتینگتون و نلسون یکی از پارامترهای توسعه سیاسی را مشارکت سیاسی دانسته و مساعی لازم را برای طبقه بندی نظامها بر اساس این معیار به عمل آورده‌اند. مدل‌های آنها عبارتند از: مدل بورژوازی توسعه، مدل پوپولیستی، مدل لیبرال، مدل خودکامه، مدل تکنوکراتیک توسعه. آنها می‌گویند در مدل پوپولیستی تاکید عمده بر مشارکت و تجهیز گسترده سیاسی و مساوات اقتصادی علیرغم پایین بودن میزان رشد اقتصادی می‌باشد (قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۲، ۱۶)

یورگن هابرماس نیز دو حوزه اصلی در حیات اجتماعی انسان تمیز می‌دهد که با دو دیدگاه فوق منطبق اند: یکی حوزه عمل یا عقل ابزاری (عرضه سلطه سیاسی و مالکیت) و دوم حوزه عمل ارتباطی یا عقل ارتباطی و تفاهمی که حوزه زبان و کلام و مهارتهای ارتباط عقلانی و بین‌الذهانی است.

هابرماس معتقد است که عقل در جوامع مدرن صرفاً ابزاری نیست و هنوز هم عنصری فرهنگی و رهایی بخش در خود دارد. به نظر هابرماس جامعه را باید بر اساس سه مقوله اساسی کار، زبان و قدرت تحلیل کرد. کار و قدرت اساس عقلانیت ابزاری و سلطه و خدشه‌های گفتمانی هستند در مقابل زبان و سخن به تواناییهای کلامی عام و وضع کلامی ایده‌آل و آزادی معطوف است. اندیشه اساسی در نظریه هابرماس، اندیشه کنش ارتباطی و مفاهمه است که حوزه‌ای از خواسته‌های راستین و مشترک بشری را بر می‌نماید که در زبان خالی از خدشه و ایدئولوژی قابل بیان است جامعه مدرن اساساً مبتنی بر عقلانیت معطوف به هدف است که موجد کنشهای غایتمند می‌باشد، ولی جامعه مطلوب هابرماس یعنی همان وضع کلامی ایده‌آل بر عقلانیت ارتباطی استوار است. (بشیریه، حسین، عقل، ۱۳۸۲: ۴۲۹). بنابراین تصمیم عاقلانه و انتخاب خردگرایانه از دیر باز مورد استغاف

فلاسفه سیاسی بوده‌اند. دهه های مدید از تحقیق درباره اینکه چرا افراد در امر سیاسی مشارکت می کنند، بینش های قابل توجهی درباره همبسته های سطح فردی مشارکت اعم از متغیرهای جمعیت شناختی (مانند سن، جنس، تاهل، و...) جامعه شناختی (مثل پایگاه اجتماعی - اقتصادی، قومیت و دین داری)، نگرشی (نظیر علاقه سیاسی، اثربخشی و تعهد مدنی) و منابعی (مانند پول، وقت و تجربه) را عرضه کرده اند (معمار، رحمت الله، ۱۳۹۱: ۱۱)

نظریه عدالت

مفهوم عدالت اساسی ترین مفهوم در فلسفه اخلاق، سیاست و حقوق است. پرسش های گوناگونی که در باره عمل و رفتار و شیوه زندگی درست در سطح فردی، جمعی و سیاسی و درستی اعمال افراد خصوصی و مقامات و کارگزاران عمومی و نیز در باره حقوق و تکالیف و تعهدات فرد و ماهیت سیاستهای اقتصادی و اجتماعی دولت ها مطرح می شود همگی در ذیل مفهوم کلی عدالت قرار می گیرند. همچنین ایجاد تعادل میان غایات و اهداف مختلف زندگی انسان مانند شادی، رفاه، فضیلت، معرفت و غیره و نیز ایجاد تعادل میان خواستهها و غایات خصوصی و عمومی و بالاخره بهره برداری متعادل از ثروت و شیوه توزیع آن جزئی از بحث عدالت به شمار می رود. به طور کلی مفهوم عدالت باید وقتی در ذهن انسان پیدا شده باشد که پرسش از زیستن به بهترین شیوه در اندیشه او ظهور یافت. بهزیستی در سطح زندگی فردی و جمعی متضمن مفهومی از عدالت است (عقل بشیریه، حسین، ۱۳۸۲: ۹۷ و ۹۸) رویکرد عدالت گرا اولین بار در اندیشه های سوسیالیستی ارائه شد. این رویکرد در قرن بیستم از سوی بسیاری از لیبرال ها نیز مورد تاکید قرار گرفت. جان راولز و رابرت نوزیک، اندیشه سیاسی و اقتصادی خود را در ارتباط با مقولاتی از جمله عدالت تبیین نمودند. آنان معتقدند که اندیشه های عمل گرایانه در حوزه ی سیاستگذاری اقتصادی تنها در شرایطی اهمیت و مطلوبیت دارد که بتواند جلوه هایی از رفاه و عدالت را در حوزه ی اجتماعی ایجاد کند. نظریه پردازان عدالت گرا طرفدار مداخله ی دولت در فرایند سیاستگذاری اقتصادی بوده و معتقدند که دولت به عنوان حامی منافع عمومی جامعه بیش از هر مجموعه دیگری قادر است تا فرایندهای وابسته به برابری فرصتها را فراهم سازد. راولز بر ضرورت توزیع منصفانه منافع، نتایج و کالاهای اقتصادی برای شهروندان تاکید داشت در حالی که رابرت نوزیک مفهوم عدالت توزیعی را ارائه داد (مصلی نژاد، عباس، ۸۵: ۱۳۹۰ و ۸۶). کل تفکر مربوط به رفاه اجتماعی اغلب بر حسب مفهوم عدالت توجیه می شود که به ویژه به توزیع مجدد امکانات بر می گردد. در این تفکر عدالت بر حسب تخصیص منافع اقتصادی مربوط به حقوق فردی و بر طبق قوانین عملی مالکیت تعریف نشده است بلکه به معنای مجموعه پیچیده ای از نهادهای طراحی شده می باشد که برای رسیدگی به نیازها و حقوق مردم پایه ریزی شده و فراتر از دعای مبتنی بر مالکیت خصوصی است (باری، نورمن پی، ۱۳۸۰: ۶). جان راولز فیلسوف آمریکایی در کتاب خود با نام «نظریه عدالت» (۱۹۷۱) تلاش می نماید تا میان نوعی تفکر لیبرالی از تعهد سیاسی با مفهومی از عدالت اجتماعی مصالحه به وجود آورد. از نظر وی هر فرد باید دارای بهره ای یکسان از بالاترین نظام کلی آزادی های بنیادین برابر باشد که با نظامی مشابه از آزادی برای همگان سازگار است به نظر وی آزادی های اجتماعی و اقتصادی [هر دو از مصادیق مشارکت سیاسی و رفاه اجتماعی هستند] به گونه ای باید ترتیب داده شوند که بیشترین میزان سود برای آنانی که از حائل سود برخوردارند را فراهم کند و در ارتباط با دستگاهها و مناصبی باشد که در شرایط برابری عادلانه موقعیت ها، درهای آن به روی همگان باز است. (تنسی، استفان دی، ۱۳۷۹: ۷۶ و ۷۹). ماده ۲۵ اعلامیه جهانی ۱۹۴۸ حق تأمین در زمان بیکاری، بیماری، ناتوانی، از دست دادن همسر، کهنسالی و دیگر موارد قرارداد معاش در جایی فراسوی اراده انسان را اکیداً مورد توجه قرار می دهد و ماده ۲۶ نیز از حق نظام آزاد آموزش همگانی [همه این موارد از شاخصهای رفاه اجتماعی است] سخن می گوید. (تنسی، استفان دی، ۱۳۷۹: ۸۲).

دولت رفاه - مکتب اصالت فایده

منفعت گرایی یک نظریه لیبرال در باره رفاه اجتماعی است. دولت رفاهی در واقع کوششی برای اجتماعی کردن دمکراسی بوده است. پیدایش ساختار دولت رفاهی محصول فعالیتها و پیروزیهای احزاب سوسیال دمکرات بود. حزب سوسیال دمکرات آلمان، حزب کار انگلستان، حزب سوسیالیست فرانسه و تا حدی حزب دمکرات در آمریکا از سیاستهای رفاهی، تأمین اجتماعی و

اشتغال کامل حمایت کرده اند(بشیریه، حسین، ۱۳۸۲، آموزش: ۱۸۰). ۲۶. اهمیت غایی مصلحت دولت در رفاه و سلامت کل دولت قرار دارد و همین مستلزم عقلانیت و نفع طلبی در رفتار سیاسی است((وینسنت، اندرو، ۱۳۷۶: ۱۱۴) ۲۷. دولت رفاه نظامی است که نسبت به محفوظ ماندن سطح زندگی در دوران پیری و حقوق از کارافتادگی افراد، تولید و توزیع و فراهم آوردن بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و مسکن متعهد می باشد یا آن‌ها را تسهیل می کند(موسوی ثمرین، سیدسعید، ۱۳۹۳) ۲۸. اصالت فایده از نیمه قرن هجدهم تا نیمه قرن نوزدهم رواج بسیار داشت. جرمی بنتام و پیروان او بودند که نخستین بار مفهوم رفاه را به اخلاق، ضمیمه و این عقیده را که ارزش اخلاقی را جدا از آثار آئی آن می توان در مفاهیم وظیفه و عمل درست یافت درک کردند و رهایی عدالت از قید و بندهای ایده قوانین و پیروی از قانون را (حداقل از نظر تئوری) امکان پذیر ساختند تا بتوان آن را به خدمت هدف عالی سعادت انسان در آوردند.(فولادیان، مجید؛ فاطمی امین، زینب، ۱۳۸۸: ۱۳) در سده بیستم حکومت به یک نوع تعاون خدمات اجتماعی تبدیل شد و دیگر تنها پلیس به شمار نیامد. نقش معلم، پرستار، مدیر، و بزرگان صنعت را به خود گرفت، عهده دار شدن این وظیفه به طلوع عصر سوسیالیسم منجر شد اما دولتهایی که سوسیالیسم را برنگزیدند اندیشه رفاه را مطرح کردند. اندیشه دولت رفاه این است که سنگ پایه بنای دولت رفاه فرد است و دولت برای توسعه هماهنگ او طرح ریزی شده است بنابراین هدف دولت رفاه تامین حد اعلای پیشرفت و راحتی فرد است، همه فعالیت‌های آن به رفاه عمومی مربوط است.(عالم، عبدالرحمن، ۱۳۷۳: ۳۷۵ و ۳۷۶). از آنجا که کارویژه اصلی حکومت به نظر جرمی بنتهام تامین رفاه و سعادت و فایده عمومی است و مردم نیز از حیث شایستگی در برخورداری از آنها یکسانند بنابراین هیچ چیز دیگر جز آن چه مردم برای خود می پسندند، غایت حکومت به شمار نمی رود(بشیریه، حسین، ۱۳۸۲، آموزش: ۴۳۸). مکتب اصالت فایده با رجوع به انگیزه و توجیه عمل انسان در عصر مدرن توضیحی در باره سرشت و هویت انسان به طور کلی به دست می داد. اصالت فایده در عصر و زمانی پیدا شد که انگیزه های سنتی عمل انسان دچار ضعف شده بودند و در وضع تردید آمیز جدید ممکن بود تنها لذت به عنوان انگیزه تردیدناپذیر عمل آدمی تلقی شود. مکتب اصالت فایده در واقع از ظهور انسان اقتصادی جدید خبر می داد و سرمایه داری و دموکراسی مدرن به چنین انسانی نیاز داشت، انسان اقتصادی مدرن مدام چرتکه لذت سنجی را در درون ذهن خود به کار می برد و بر اساس آن در باره زندگی خویش تفکر و محاسبه می کند و بنیاد جامعه و نهادهای اجتماعی هم کار ویژه‌هایی است که موجب تحقق بیشترین شادی برای بیشترین شمار مردم می شود، نهادهای فرهنگی، اخلاقی، مذهبی، سیاسی و قانونی هر یک به نحوی ضامن شادی و سعادت فردند(بشیریه، حسین، عقل: ۱۳۸۲: ۳۸۱). بنتهام معتقد بود که اندیشه پردازان باید در جهت ارتقای وضعیت و رفاه، لذت و سعادت انسانی باشند، نه آنکه موجب تعب، رنج و الم آنان شود(سیف زاده، سیدحسین، ۱۳۷۹: ۸۷). اغراق نیست اگر بگوییم فلسفه سودگرایی عملی بنتهام منشا فکری دیوانسالارانه رفاه اجتماعی است که سیاست های عمومی را در سده نوزدهم در انگلستان تحت شعاع خود قرار داد(باری، نرمن پی، ۱۳۸۰: ۲۴). اگر افراد از طریق قید و بندهای اجتماعی که روابط قراردادی را بالا می برد به هم نزدیک شوند قادر خواهند بود به عنوان شهروند یک سازمان اقتصادی مشترک نسبت به هم مدعی باشند که این ادعا بیشتر از همکاری آنهاست از این دیدگاه رفاه شکلی از استحقاق و شایستگی افراد است(باری، نرمن پی، ۱۳۸۰: ۴۵). دموکراسی اجتماعی آن نوع از دموکراسی است که بر تامین اجتماعی و ایجاد دولت رفاهی و توزیع ثروت در جامعه به وسیله دولت تاکید می ورزد. طرفداران دموکراسی اجتماعی در پی آن بودند که اصول لیبرالیسم و حکومت مبتنی بر اصل نمایندگی و حاکمیت مردم را با اصول اصلاحات اجتماعی و عدالت توزیعی در آمیزند. دولت رفاهی رایج ترین شکل دولت مدرن است که در واکنش به بحرانهای سرمایه داری شکل گرفت، دولت رفاهی در واقع کوششی برای اجتماعی کردن دموکراسی بود(بشیریه، حسین، ۱۳۸۲، آموزش: ۱۶۵ و ۱۸۰) لذا بر اساس دیدگاه جانسون(۱۹۸۷) دولت رفاه با هدف موارد زیر به مداخله در

امور می پردازد؛ فراهم آوردن گستره‌ای وسیع از خدمات اجتماعی برای اکثریت جمعیت؛ حرکت به سوی حفظ اشتغال کامل؛ ملی کردن یا تنظیم شماری از صنایع کلیدی، اما عمده اقتصاد [که ریشه‌های رفاه اجتماعی منبعث از آن است] در دست بنگاه‌های خصوصی است (تنسی، استفان دی، ۱۳۷۹: 166). امروزه شهروندان هوشمند حتی نهاد و روندهای سیاسی موجود را به طور عمده بر حسب رفاه در مفهوم مادی واژه ارزشیابی می کنند، خود مفهوم دولت رفاه نشان دهنده توقعات در حال پیدایش از حکومت است. در دولت رفاهی همه اجازه دارند از آزادیهای اساسی یعنی آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی عقیده و مانند آنها و آزادی اجتماعی برای دست یافتن به هدفها و مقاصد مشترک برخوردار باشند. این بهره مندی از آزادیهای اساسی انسان را قادر می کند قوه داوری خود را در راه خیر عمومی به کار گیرند. (عالم، عبدالرحمن، ۱۳۷۳: ۷۲ و ۳۷۹)

مشارکت سیاسی

مشارکت جایگاهی محوری و حیاتی در لیبرال دمکراسی دارد. مشارکت سیاسی یکی از ستونهای اساسی دمکراسی است و نوستالژی دمکراسی آنتی از آن روی همچنان در اذهان باقی مانده است که یادآور مشارکت آزاد و برابر مردم در میدان عمومی آتن، مشهور به آگورا، بوده است به همین ترتیب هنگامی که الکسی دوتوکویل در سال ۱۸۳۰ از آمریکا دیدن کرد وجه مشارکت چنان او را مسحور کرده بود که به ستایش از دمکراسی در آمریکا پرداخت (بشیریه حسین، ۱۳۹۴: ۲۷۶) «ریمون آرون» و «اتواشامر» هر دو مشارکت عمومی شهروندان را در فرایند تصمیم گیریهای سیاسی و فرصتهایی که یک جامعه با بیطرفی و بدون در نظر گرفتن طبقات، بتواند قابلیت خود را نمودار کند، تحت شعار «جامعه عملکردگرای کاری» ترسیم کردند. هر دو نویسنده، جوامع دموکراسی یا کثرت‌گرا را به عنوان بلوای کشاکش عمومی بین مالکان وسایل تولیدی، رهبران اصناف و سیاستمداران دانسته بر «رقابت کاری» در زمینه کشمکش علمی، تاکید می کردند (روریش، ویلفرد، ۱۳۷۶: ۱۸۹). به نظر ژان ژاک روسو مشارکت سیاسی مایه اصلی خودآزادی است؛ و فقط از راه مشارکت مستقیم و پاینده همه شهروندان در زندگی سیاسی دولت می تواند به خیر مشترک پیوند یابد. (هیوود، اندرو، ۱۳۸۳: ۹۳). امروزه مشارکت سیاسی، یکی از شاخص‌های عمده و اصلی نوسازی و توسعه سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود، ساده ترین شکل مشارکت سیاسی رای دادن شهروندان به احزاب، افراد و سیاست‌ها است. بر اساس مطالعات موجود در مورد دمکراسی‌های غربی مردان بیش از زنان و طبقات مرفه و متوسط بیش از طبقات پایین و افراد دارای تحصیلات بالاتر بیش از دیگران در انتخابات شرکت می کنند، همچنین مشارکت در زندگی سیاسی برای افراد هزینه‌هایی بر میدارد و مستلزم صرف وقت، توان مالی و منابع است. طبعاً هرچه هزینه مشارکت کمتر باشد میزان آن افزایش می یابد، بنابراین ترکیبی از سود جویی، قدرت طلبی، کسب شان و حیثیت اجتماعی و احساس امنیت در انگیزه‌های مشارکت سیاسی در هم می آمیزد (بشیریه حسین، آموزش، ۱۳۸۲: ۳۷۵ و ۳۷۸ و ۳۷۹) در این میان، متغیر سواد بیش از دیگر متغیرهای منزلتی بر مشارکت اثر دارد. فرآیند توسعه همچنین از طریق سازمانی نیز بر مشارکت اثر می گذارد؛ عضویت فرد در گروه‌ها و سازمان‌ها (اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع، علائق خاص و...) احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند این عامل در جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آنها محدودتر است، اهمیت بیشتری دارد (رضایی، عبدالعلی، ۱۳۷۵: ۵۶ و ۵۵) راه‌های بسیاری وجود دارد که مشارکت دمکراتیک ممکن است با آنها تجلی پیدا کند. یکی از عمده‌ترین این راه‌ها رای‌گیری و انتخابات است (اونیل، پاتریک، ۱۳۹۴، ۱۹۵). تحرک اجتماعی نیازهای انسان را که بر نظام سیاسی یورش می‌آورد دگرگون می‌کند و سبب هر چه بیشتر مشارکت سیاسی می‌شود این مشارکت سیاسی از نیاز به اقدام حکومت برای حل و رفع دشواریهای زندگی کسانی بر می‌آید که از ریشه‌کننده شده و از لحاظ اجتماعی تحرک یافته‌اند این مشارکت سیاسی ممکن است به شکل تظاهرات و شورشها، اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، اعتصابات و اغتشاشات تجلی کند (عالم، عبدالرحمن، ۱۳۷۳: ۱۳۰ و ۱۳۱) مایکل راش؛ با در نظر گرفتن سه رویکرد اساسی در جامعه‌شناسی سیاسی، سه معنای متمایز برای مشارکت سیاسی قایل شده است: درحالی که در نظریه نخبه‌گرایی، عمدتاً مشارکت سیاسی به نخبگان محدود بوده و از توده‌ها تصویری غیرفعال، ابزار دست نخبگان ارایه شده، در نظریه کثرت‌گرایی، مشارکت سیاسی به جهت تأثیرگذاری در تعیین سیاست‌ها و توزیع قدرت به مثابه کلید رفتار سیاسی به شمار می‌رود. همچنین در رویکرد مارکسیستی، مشارکت سیاسی به معنای آگاهی

طبقات نسبت به وضعیت خود می‌باشد که سرانجام، سیاسی شدن طبقات را به دنبال خواهد آورد (خلوصی، محمدحسین، ۱۳۹۱: ۴۸).

بنابراین تصور و پنداشتی که افراد و کنش‌گرها دارند به شدت در رفتار آنها در زمینه مشارکت موثر خواهد بود. در واقع هنگامی که در جامعه ای رفتار مشارکتی وجود ندارد یا گرایش به مشارکت اندک است، ریشه آن بر سیستم دیدگاه‌های آن جامعه و فرد در ارتباط با فرهنگ، باورها و تصویری که نسبت به محیط و پیرامون خود دارد برمی‌گردد. هر قدر باورها، گرایش‌ها و فرهنگ اجتماعی احساس بی‌قدرتی را در افراد تقویت کند گرایش آنها به مشارکت کاهش می‌یابد افرادی که کاملاً احساس بی‌قدرتی می‌کنند اعتماد به نفس خود را در عرصه اجتماعی از دست داده و کم‌تر مشارکت دارند (علوی تبار، علیرضا، ۱۳۸۷: ۱۲) ۲۹.

با توجه به تمایلات طبیعی و اجتماعی انسان، به نظر پیروزوف پرودون سازمان سیاسی مبتنی بر سلطه و اقتدار باید جای خود را به سازمان اقتصادی - اجتماعی مبتنی بر توافق و تعاون بدهد (بشیریه، حسین، عقل، ۱۳۸۲: ۶۰۴). ۳۰.

بازیگرانی که به تازگی در جریان دمکراتیک‌سازی (یا مشارکت) از حقوق سیاسی و شهروندی برخوردار می‌شوند مستلزم افزایش هزینه‌های دولت خواهد بود. از جمله اینکه گسترش هر نوع تخصیص منابع یا ارائه خدمات عمومی به این افراد و جماعات (از تاسیس و تامین هزینه مدارس عمومی تا شبکه‌های عمومی فاضلاب، بهداشت و غیره) هزینه‌های اضافی هنگفتی را به دولت تحمیل خواهد کرد (بشیریه، حسین، ۱۳۸۴: ۱۹۸) ۳۱.

رفاه اجتماعی

آرزوی آدمی برای تحقق امنیت خاطر، رفاه و آسایش پایدار در اصل قدمتی به درازای تاریخ بشر دارد. اولین نظام اجتماعی نظام مند در مورد رفاه اجتماعی در آلمان و از سوی بیسمارک ارائه شد (باری، نرم‌پی، ۱۳۹۳/۱۹۹۴: ۴۳) ۳۲. افلاطون و ارسطو هر دو بر آن بودند که دولت - شهر باید محدود و کوچک باشد از نظر آن دو غایت دولت - شهر تامین «بهبذیستی» برای شهروندان بود. گینزیست بر این عقیده است که حقوق رومی و حقوق مدون کلیسا اندیشه‌هایی در خصوص نوعی رفاه عمومی برتر از حد تعلقات محلی عرضه می‌داشتند به نظر وی دلیل اصلی برقراری نهاد سلطنت‌تأمین رفاه عمومی بود (وینسنت، اندرو، ۱۳۷۶: ۳۱ و ۳۳) ۳۳.

اصولا موتور محرک فعالیت‌های رفاه اجتماعی (منبعث از مباحث اقتصادی) را فرایندهای سیاسی شکل می‌دهد و سیاست نیز به مفهوم برنامه ریزی همه جانبه برای کسب قدرت می‌باشد. کشورهایی که از برنامه ریزی مناسب، الگوهای رفتار سیاسی مطلوب و دوراندیشی برخوردارند می‌توانند برای مردم خود ثروت، عزت و اقتدار فراهم کنند (مصلی‌نژاد، عباس، ۱۳۹۵: ۱۱ و ۱۲) ۳۴.

در عصر جدید دامنه کارکرد دولتها گسترش یافته است و مهمترین مسئولیت اخیر آنها ایجاد آسایش و رفاه اجتماعی است، مطالعات نشان می‌دهد که تکامل نظامهای سیاسی با رشد اقتصادی ارتباط دارد با افزایش تجارت و سازماندهی ساختارهای اقتصادی مدرن دولتها تلاش نمودند که توانایی‌های خود را افزایش داده و از این طریق رفاه بیشتری برای شهروندان خود به وجود آورند بطور کلی مفهوم شهروندی زمانی شکل می‌گیرد که شاهد تحولات مشهودی در حوزه اقتصاد

^{۲۹} علوی تبار، علیرضا، الگوی مشارکت در جامعه مردم سالار. مجله شهرداری‌ها. سال اول. شماره ۵. ۱۳۷۸، ص ۱۲.

باشیم(مصلی نژاد،عباس،۱۳۹۵: ۱۵). ۳۵ پس از شکل گیری اصلاحات ساختاری در اندیشه های اقتصاد لیبرالی دهه ۱۹۳۰ که باعث ظهور سیاست اقتصاد کینزی گردید از یک سو زمینه برای مداخله دولت در فرایند سیاستگذاری اقتصادی افزایش یافت و از سوی دیگر شرایط و زمینه برای شکل گیری دولت ملی رفاه فراهم گردید در این فرایند دولت به طور تدریجی حجم بیشتری یافت و در حوزه های اقتصادی بیشتر مداخله نمود از جمله این مداخله ها می توان به سازمان دهی تامین اجتماعی و ایفای نقش در حوزه های خدماتی، درمانی، آموزشی، انرژی، صنعت، راههای ارتباطی، اشتغال، کشاورزی و ارتباطات مخابراتی اشاره داشت(مصلی نژاد،عباس،۱۳۹۰: ۳۶). رفاه و تامین اجتماعی را می بایست از جمله تکالیف جدید دولت مدرن در پاسخ به بروز بحرانهای اجتماعی این عصر به حساب آورد، دولت‌های مدرن با ساختار تشکیلاتی و نظام تصمیم گیری و سازوکارهای اجرایی جدید صورت کاملاً بدیعی از برنامه ریزی ر زمینه رفاه و تامین اجتماعی را به منصف ظهور رسانیدند(اکبری، محمدعلی، ۱۳۹۵: ۷). در نیم قرن گذشته یکی از ویژگیهای آشکار دمکراسیهای پیشرفته، توسعه هزینه‌های اجتماعی به عنوان راهی برای کاهش نابرابری و تامین کالاهای عمومی با برنامه هایی همچون اجرای طرح های ملی، پرداخت مستمری بازنشستگی، ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی و مزایای بیکاری بوده است، مجموعه این گونه برنامه ها را به عنوان «دولت رفاهی» می شناسند. (اونیل، پاتریک، ۱۳۹۴، ۲۵۲). مسائل مربوط به عدالت اجتماعی ناگزیر با مساله رفاه پیوند می یابد، تقریباً در همه بخش‌های جهان نهضت برابری و عدالت اجتماعی با رشد رفاه اجتماعی، گسترش مسئولیتهای دولت تا رفاه شهروندان خود را شامل می شود(هیوود، اندرو، ۱۳۸۳: ۴۲۴). لیبرالهایی مانند گرین ول.ت. هابهاس (L.T.Hobhouse 1864-1929) از فرد گرایی استفاده کردند تا استدلالهایی به سود رفاه اجتماعی و مداخله دولت ارائه دهند. این لیبرالها فرد را کاملاً در پی نفع شخصی ندیدند، بلکه از لحاظ اجتماعی او را مسئول دانستند و گفتند می تواند نسبت به انسانها دلبستگی نوع دوستانه نشان دهد(هیوود، اندرو، ۱۳۸۳: ۵۴).

با توجه به مباحث نظری مطرح شده و الهام از آموزه های دینی به نظر می رسد بتوان گفت مشارکت ریشه در سرشت انسان دارد ۳۶. لذا در این خصوص (ارتباط رفاه اجتماعی با مشارکت سیاسی)، مراتب در قالب چند محث مختصر به شرح ذیل خلاص کرد.

۱. انسان طبعاً اجتماعی است: «جوهر انسان جمعی بودن انسان است» انسان بالطبع مدنی یا سیاسی است. زندگی سیاسی براساس روابط مبتنی بر اطاعت پذیری و فرمانروایی انسانها با یکدیگر امکان پذیر می گردد و در این فرآیند، فرد و جامعه بر یکدیگر تأثیر می گذارند. زندگی سیاسی فی نفسه غایت زندگی انسان است اما تجارت به عنوان مثال نه غایت زندگی بلکه وسیله‌ای است و به اقتضای ضرورت انجام می شود در حالیکه سیاست لازمه بهزیستی و آزادی از مقتضیات ضرورت است. فعالیت و مشارکت سیاسی در امور عمومی جامعه عملی است که طبیعت انسان را متحقق می کند(بشیریه، حسین، عقل، ۱۳۸۲: ۱۶) ۳۷.

۲. انسان عقلانی و آزاد است: مفهوم عقلانیت در دیدگاه وبر به معنی گسترش عقلانیت نهادی یا ابزاری در حوزه زندگی خارجی یا اجتماعی است و پدیده هایی چون پیچیدگی نظام اجتماعی، گسترش سازمان یافتگی، از میان رفتن قدرت نیروهای اسرار آمیز، پیش بینی و کنترل زندگی و ... را در بر می گیرد(بشیریه، حسین، ۱۳۷۷: ۵۷). ۳۸. خرد و عقل انسان که حاصل آن

۳۶. شریف زاده، فتاح و صدقی، جواد، عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، دو فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات

مدیریت، سال ۱۹ شماره ۵۹، زمستان ۸۷ و بهار ۸۸، صص ۴۷ تا ۷۰.

اندیشه، تعقل و تدبیر است ضرورت همکاری و تعاون در امور مشترک را مورد توجه و تأیید قرار داده است. فرد تنها در درون اجتماع به خویشتن خویش می رسد. مهمترین خصلت طبع آدمی به نظر هگل توانایی تعقل است، آدمی به تبع تعقل، آزاد است. همه نهادهای اجتماعی مظهر آزادی و عقل انسانند (بشیریه، حسین، عقل ۱۳۸۲: ۱۷). براین اساس کنش‌های مربوط به مشارکت همگانی رفتارهایی معقول و هدفمندند و این بدین معناست که قصد مردم این است که به دلیل خردمند بودن از راه ابزارهای مناسب به نتایج خاصی برسند.

در مشارکت، آزادی نهفته است و بدون آزادی و امکان فکر کردن و عمل آزاد، مشارکت واقعی امکان ندارد. بدین منظور، دولت‌ها نیز برای مشارکت سیاسی، باید امکان رقابت در عرصه قدرت گرفتن را برای همگان مهیا سازند و در این زمینه، وجود برابری بین انسان‌ها و گروه‌ها نیز تأثیر مهمی دارد (اخترشهر، علی، ۱۳۸۷: ۳). ۴۰.

۳. منافع عمومی: یکی از اصول اصلی خدمات عمومی نوین، تأکید مجدد بر محوریت منافع عمومی در خدمات دولت است، مهمتر این که منافع عمومی آن چیزی نیست که فقط به منزله نتیجه‌ای از تعامل بین انتخابهای فردی شهروندان، رویه‌های سازمانی و سیاستهای انتخاباتی حاصل شود. در خدمات عمومی نوین، دولت از طریق گفتمان نقش مهم و فعالی در ایجاد حوزه‌هایی در شهروندان ایفا می‌کند که می‌تواند ارزشهای مشترک را ایجاد کرده و یک احساس جمعی از منافع عمومی را توسعه دهد (شریفی، سیدمهدی و مدلیان، فائزه، ۱۳۹۵: ۸۷). ۴۱.

۳. منافع اقتصادی: تأثیر پیشرفتهای اقتصادی بر زندگی سیاسی، در اساس نظام اقتصادی و رفاهی بر پایه تصمیمات مراجع سیاسی استوار است، سیمومارتین لیپست بین توسعه اقتصادی و رقابتهای سیاسی رابطه مستقیمی برقرار می‌کند رقابت سیاسی از نظر لیپست یکی از عناصر اصلی بازی سیاسی است که در نبود رفاه اقتصادی به میزان زیاد کاهش پیدا می‌کند. شاخصهای مورد نظر لیپست عبارتند از درآمد، صنعتی شدن، شهرنشینی و غیره و اساساً در دوران رفاه اقتصادی هیچ گویی بدهکار شعارهای افراطی نیست (نقیب زاده، احمد، ۱۳۷۹: ۱۱۳-۱۱۴). ۴۲.

بنابراین انسان‌ها در زندگی دارای منافع مشترک و عمومی هستند که رسیدن به آنها جز از راه اقدام جمعی و همراه با مشارکت ممکن نیست. به علاوه انگیزه‌های متفاوتی هم‌چون کار به خاطر منافع عمومی، احساس وظیفه، علاقه به کار با دیگران، کسب محبوبیت بین دیگران، برخورداری از احترام و قدردانی دیگر شهروندان و یا دستیابی به اهداف جمعی، افراد را به مشارکت در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی ترغیب می‌کند. به بیانی: رابطه‌ی متقابل و انتظار از یکدیگر حوزه‌ی گسترده‌ای برای مشارکت سیاسی فراهم ساخته که عملکرد فرد در سازمان‌ها و نهادهای جامعه را در گستره‌ی مشارکت سیاسی قرار می‌دهد (<http://payandaneshjo.ir>). ۴۳.

۴. حاکمیت مردم: امروز فرض عمومی بر این است که همه آرمانها و آمال غایی انسان که به ندرت یک جا گرد می‌آیند از جمله نظم و امنیت، حکومت قانون، آزادی، برابری، رعایت حقوق بشر، شادی و رفاه و ...، تنها در سایه نظام‌های مردم سالار تحقق پذیرند (بشیریه، حسین، ۱۳۹۴: ۱۳). ۴۴. حاکمیت مردم یکی از اصول اساسی دموکراسی است. مفهوم اصلی حاکمیت مردم این است که حکومتها قدرت و اقتدار خود را از منبع دیگری جز خواست و اجماع و رضایت عامه مردم به دست نمی‌آورند (بشیریه

^{۴۱} . شریفی، سیدمهدی و مدلیان، فائزه، «شناسایی ارزشهای عمومی تأثیرگذار در فرایند خط مشی عمومی جهت تحقق منافع عمومی

شهروندان»، فصلنامه صنعت و دانشگاه، سال نهم، شماره ۳۱ و ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۸۷.

حسین، آموزش، ۱۳۸۲: ۲۶۸-۴۵. حاکمیت در نظریه حقوقی و سیاسی کلاسیک به معنی عالی ترین اقتدار در دولت است. حاکمیت در قانون اساسی نهفته است. مشارکت سیاسی به منظور اعمال حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت خود، امری لازم و ضروری است.

۵. مسؤلیت: اهمیت مشورت و مشاوره، همکاری و همگامی در انجام امور در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است و آیات بسیاری وجود دارند که به طور شفاف و روشن حاوی پیام‌هایی در این مورد هستند. به عنوان نمونه: «... وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹) و در کارها با آنان مشورت نما، لیکن آنگاه که خود تصمیم گرفتی با توکل به خدا آن را انجام ده که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند، دوست دارد. یا: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (سوره شوری، آیه ۳۸) و آنان که امر خدا اجابت کردند و نماز را به پای داشتند و کارشان را به مشورت با یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه روزی آن‌ها کردیم به فقیران انفاق می‌کنند (پیشینه مشارکت سیاسی، نظریه‌ها و دیدگاه‌های آن <http://payandaneshjo.ir/> ۴۶»

امام علی (علیه السلام) نیز در نامه‌ی معروف خود به مالک اشتر می‌فرماید: «بدان مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد. و هیچ یک از گروه‌ها از دیگری بی‌نیاز نیست» (دشتی، محمد، ۱۳۹۱: ۴۰۷-۴۷). بنابراین با توجه به مبانی نظری یاد شده، مشارکت امری انسانی و در عین حال ضروری و لازم برای بشر است. لذا به نظر می‌رسد ارتباط رفاه اجتماعی با مشارکت سیاسی از سوی جامعه‌شناسان مورد تأکید است براساس این نظریات مشارکت سیاسی یکی از شاخصه‌های توسعه سیاسی است اگر توسعه سیاسی را گسترش مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی در نظر بگیریم (احمدی، احمد و رضایی، حسینی، ۱۳۹۴: ۲۴۳-۴۸).

جمع بندی

جداکردن رفاه از سیاست غیر ممکن است، فلسفه رفاه اجتماعی، ایجاد امنیت و آرامش از طریق تامین نیازهای اولیه و ثانویه انسانها و در نتیجه تقلیل اضطراب هاست. رفاه اجتماعی همزاد بشر است، و به طور کلی چه به صورت جمع و چه در حالت انفرادی در تدارک آسایش و راحتی و امنیت خود است، برهمین اساس توجه عمیق دولتها، مجامع بین المللی به ویژه سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن تامین امنیت انسانی است. چنانکه می‌دانیم اهداف اصلی دولت‌های رفاهی کاهش شکافهای طبقاتی، توزیع عادلانه تر ثروت، افزایش هزینه‌های عمومی به منظور تامین خدمات رفاهی و اجتماعی بود، معمولاً خلاصی نسبی از دغدغه بر اثر توسعه رفاه اجتماعی باعث ایجاد فرصت می‌گردد، تحقق این امر موجب افزایش درک سیاسی شهروندان، مسؤلیت‌پذیری، تقویت احساس کنترل شهروندان نسبت به نظام سیاسی و تعهدات آنان نسبت به حکومت و در نتیجه مشارکت سیاسی می‌شود. اندیشمندان سیاسی مشارکت مردم در امور سیاسی را به عنوان منبع سرزندگی (شادابی)، سازندگی و بالندگی جامعه و ابزاری برای نمایش خرد جمعی تلقی کرده و آن را ستوده اند. حتی برخی از صاحب نظران مشارکت سیاسی را به مثابه قلب جامعه‌شناسی سیاسی می‌دانند. همچنین معتقدند، افزایش مشارکت سیاسی به افزایش منافع و توسعه رفاه اجتماعی بستگی دارد. در این میان نکته اساسی این است که رفتارهای افراد معنادار است چرا که ادبیات مشارکت سیاسی مملو است از انبوه عوامل همبسته با میزان مشارکت (مانند سن، جنس، درآمد، تحصیلات طبقه اجتماعی و ...) و ما می‌توانیم با تفسیر این رفتارها به چرایی و چگونگی کنش‌های آنان پی ببریم؛ چراکه شناخت اعمال فردی و اجتماعی افراد براساس فاعلیت فاعلان و پندارهای نهفته در درون و انگیزش‌های نفسانی انجام می‌گیرند. بنابراین،

مشارکت‌کننده بر اساس انگیزش‌ها و پندار خود رفتار می‌کند. از این‌رو، مردم بر اساس پندارها، عقاید و ارزش‌های موردنظر خود، تصویری از نحوه مشارکت سیاسی در ذهن دارند و می‌توان گفت تمامی روابط و مناسبات اجتماعی و سیاسی زاینده تجربیات شخصی و غیر قابل ذکر هر فرد است، زیرا رفتار وی معنادار است و بر اساس آن، به عملی خاص مبادرت می‌ورزد. به عبارت دیگر، فاعل تصمیم گرفته است بر اساس آگاهی‌های خود و پیش‌فرض‌های ذهنی و نگرش‌ها و انگیزش‌های خویش، اقدامی جمعی و مشارکت‌جویانه انجام دهد و با توجه به نظریه منابع می‌توان گفت هر قدر منابع بیشتر (پول، وقت، و مهارت‌های مدنی)، میزان مشارکت نیز بیشتر و یا دارای پایگاه اقتصادی بهتر در مقایسه با برخوردارانی پایین‌تر، احساس اثربخشی بیشتر می‌کنند، علاقه مندتر و فعال‌ترند و اهمیت بیشتر به مشارکت خصوصاً مشارکت انتخاباتی می‌دهند و در نهایت اینکه آنهایی که منابع رفاه اجتماعی بیشتری دارند بیشتر برای مشارکت برانگیخته می‌شوند چون اگر به نحو شایسته و مکفی شرکت نکنند بیشتر ضرر خواهند کرد بنابراین انسانها یا شهروندان یک جامعه از طریق محاسبه سود و زیان تصمیم به کنش سیاسی می‌گیرند.

منابع و ماخذ

۱. اخترشهر، علی، (۱۳۸۷)، مشارکت سیاسی و نقش آن در تأمین امنیت ملی، ماهنامه علمی - ترویجی معرفت، شماره ۳۱. http://marifat.nashriyat.ir/node/574#_ftnref3
۲. احمدی، احمد و رضایی، حسیه، (۱۳۹۴)، رابطه رفاه اجتماعی با مشارکت سیاسی معلمان (مطالعه موردی: معلمان شهر مریوان)، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۴، ص ۲۳۱-۲۶۷. https://www.civilica.com/Paper-JR_QJSD-JR_QJSD-6-24_007.html
۳. ابراهیمی، مهدی، (۱۳۹۴) نگاهی به پژوهش‌های رفاه اجتماعی در ایران (با تمرکز بر مقالات علمی - پژوهشی در دوره زمانی ۹۳ - ۱۳۸۰)، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۴۶، ص ۵-۳۶. (<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1359220>)
۴. اخوان بهبهانی، علی؛ با همکاری، ایروان مسعودی اصل (۱۳۹۶)، اصول و مبانی بیمه‌های اجتماعی، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۵. اونیل، پاتریک، (۱۳۹۴)، مبانی سیاست تطبیقی (نظام‌های سیاسی تطبیقی)، چاپ سوم، مترجم سعید میرترابی، تهران: قومس.
۶. ازبر، دیوید و پلاستر، پیتر، (۱۳۸۵)، واژگونی بوروکراسی، چاپ دوم، ترجمه غلامحسین خانقایی، تهران: فرا
۷. اکبری، محمدعلی، (۱۳۹۵)، رفاه اجتماعی در ایران معاصر، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
۸. بشیریه، حسین، (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
۹. بشیریه، حسین، (۱۳۸۲)، عقل در سیاست (سی‌وپنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی)، چاپ پنجم، تهران: نگاه معاصر.
۱۰. بشیریه، حسین، (۱۳۸۶)، گذر به مردم‌سالاری (گفتارهای نظری)، چاپ دوم، تهران: نگاه معاصر.
۱۱. بشیریه، حسین، (۱۳۸۲)، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی، چاپ دوازدهم، تهران: موسسه نگاه معاصر.
۱۲. بشیریه، حسین، (۱۳۸۰)، موانع توسعه سیاسی در ایران، چاپ دهم، تهران: گام نو.
۱۳. بشیریه، حسین، (۱۳۸۴)، گذر به دموکراسی، چاپ پنجم، تهران: نگاه معاصر.
۱۴. بری، نورمن پی، رفاه اجتماعی، (۱۳۸۰/۱۹۹۴)، چاپ پنجم، ترجمه سیداکبر میرحسینی و سیدمرتضی نوربخش، تهران: سمت.
۱۵. پارسونز، واین، (۱۳۹۲)، مبانی سیاست‌گذاری عمومی، جلد اول، چاپ دوم، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. توسلی، غلامعباس، (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ پنجم، تهران: سمت.
۱۷. تنسی، استفان دی، (۱۳۷۹)، مبانی علم سیاست، ترجمه، حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر دادگستر.

- ۱۸- حیدری، داود، (۱۳۸۷)، آشنایی با چند مفهوم اساسی در حوزه ی سیاست، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۳۹، ص ۲۱-۱۲ <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/394668>
- ۱۹- حسین زاده، علی حسین؛ فدایی ده چشمه، حمید، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهرکرد)، فصلنامه مطالعات جامعه شناسی شهری، سال دوم، شماره ۵، ص ۵۹-۸۲
- ۲۰- حسین آبادی، مهدی، (۱۳۹۶)، گفتگوی اجتماعی، تضاد یا اختلاف: جامعه شناختی گفتگوی اجتماعی، نگاهی نو به روابط کار صنعتی ایران، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- ۲۱- خلوصی، محمدحسین، (۱۳۹۱)، شاخص مشارکت سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دوفصلنامه معرفت سیاسی، سال چهارم، شماره ۲، ص ۴۵-۶۷.
- ۲۲- رحیق اغصان، علی، با همکاری مارک گلی، (۱۳۸۴)، دانش نامه در علم سیاست، تهران، فرهنگ صبا.
- ۲۳- معمار، رحمت الله، (۱۳۹۱)، جامعه شناسی مشارکت سیاسی: تحلیل تطبیقی درون کشوری از مشارکت انتخاباتی در ایران، تهران: امیرکبیر.
- ۲۴- روریش، ویلفرد، (۱۳۷۶)، سیاست به مثابه علم، چاپ دوم، ترجمه ملک یحیی صلاحی، تهران: سمت.
- ۲۵- رضایی، عبدالعلی، (۱۳۷۵)، «مشارکت اجتماعی هدف یا ابزار توسعه»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۹ و ۱۱۰، ص ۵۴ تا ۶۳ <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/93647>
- ۲۶- رضایی، حسین، (۱۳۹۲)، نظریه های مشارکت با رویکرد انتخابات، فصلنامه مطالعات انتخابات/سال دوم/شماره ۵ و ۶، ص ۷-۴۱. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1060004>
- ۲۷- راش، مایکل (1377)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت.
- ۲۸- زاهدی اصل، محمد، (۱۳۸۱) مبانی رفاه اجتماعی، ویرایش دوم ۱۳۸۸، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲۹- سیف زاده، سیدحسین، (۱۳۷۹)، مدرنیته و نظریه های جدید علم سیاست، تهران: دادگستر.
- ۳۰- سبزی پور، حامد، (۱۳۸۷)، جامعه پذیری سیاسی: مروری کوتاه بر ادبیات موضوع، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۳۹، ص ۴۳-۴۵. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/394671>
- ۳۱- شمس، عبدالحمید، (۱۳۹۵)، احزاب سیاسی و خط مشهای اقتصادی - اجتماعی، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۲- شریفی، سیدمهدی و مدلیان، فائزه، «شناسایی ارزشهای عمومی تاثیرگذار در فرایند خط مشی عمومی جهت تحقق منافع عمومی شهروندان»، فصلنامه صنعت و دانشگاه، سال نهم، شماره ۳۱ و ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
- ۳۳- شریف زاده، فتاح و صدقی، جواد، (۱۳۸۸)، عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، دوفصلنامه علمی - ترویجی مطالعات مدیریت بهبود و تحول، سال ۱۹ شماره ۵۹، صص ۴۷ تا ۷۰. (۱۶) ۵۹، https://www.civilica.com/Paper-JR_JMSD-JR_JMSD-16-59_003.html
- ۳۴- شهرام نیا، سید امیرمسعود؛ صادقی عمرآبادی، بهروز؛ ابراهیمی، علی (۱۳۹۳)، بررسی رابطه میان مشارکت سیاسی و رفاه اقتصادی (مطالعه موردی دانشجویان، کارمندان و استادان دانشگاه اصفهان)، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۹، صص ۱۶۰-۲۰۰. (۵) ۱۹، https://www.civilica.com/Paper-JR_QJSD-JR_QJSD-5-19_005.html
- ۳۵- صدیقی افشار، غلامحسین و حکمی، نسرين، فرهنگ فارسی دوجلدی، چاپ دوم، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۲، (ز-ی).
- ۳۶- عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست، چاپ نهم، تهران: نشرنی.
- ۳۷- علوی تبار، علیرضا، الگوی مشارکت در جامعه مردم سالار. مجله شهرداری ها، سال اول، شماره ۵، ۱۳۷۸.
- ۳۸- علوی، پرویز، (۱۳۸۶)، ارتباطات سیاسی: ارتباط، توسعه و مشارکت سیاسی، چاپ پنجم، تهران: علوم نوین.

- ۳۹ - فولادیان، مجید؛ فاطمی امین، زینب، (۱۳۸۸)، خاستگاه فلسفی دولت رفاه پوپر در تقابل با نظریات موافقان کلاسیک و مخالفان معاصر، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۷-۳۴.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/62767>
 ۳۹. فرهنگ فارسی معین.
- ۴۰ - قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۲)، چالشهای توسعه سیاسی، چاپ هفتم، تهران: قومس.
- ۴۱ - قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۴)، سیاستهای مقایسه‌ای، چاپ ششم، تهران، سمت.
- ۴۲ - قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۹)، سیاست شناسی: مبانی علم سیاست، تهران، سمت.
- ۴۳ . لطیفی، غلامرضا و دیگران، (۱۳۹۶)، بررسی نقش برنامه ریزی ناحیه‌ای بر رفاه اجتماعی از دیدگاه مردم، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۳۱، سال هشتم.
- ۴۴ . متین، نعمت اله، (۱۳۷۷)، مبانی نظری مشارکت و ضرورت‌های آن، مجله جهاد، سال ۱۸، شماره ۲۱۵-۲۱۴، صص ۴۴ تا ۱۱۷،
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/170475>
- ۴۵ ماکارو، دیوید، رفاه اجتماعی (ساختار و عملکرد)، ترجمه، محمد تقی جغتایی و فریده همتی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، ۱۳۷۸، چاپ اول.
- ۴۶ - مصلی نژاد، عباس، (۱۳۹۰)، سیاستگذاری اقتصادی (مدل، روش، فرایند)، چاپ چهارم، تهران: رخ داد نو.
- ۴۷ - مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۵)، مبانی علم اقتصاد و سیاست، تهران: نشر شریف.
- ۴۸ - ملک محمدی، حمیدرضا؛ مبانی و اصول سیاستگذاری عمومی، چاپ دوم، تهران، سمت، ۱۳۹۵.
- ۴۹ - موسوی ثمرین، سیدسعید، معرفی مفهوم رفاه، موسسه مطالعات و تحقیقات مبین، ۱۳۹۳، www.mrsi.ir
- ۵۰ - مارش، دیوید و استوکر، جری (۱۳۷۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵۱ میرطاهر، موسوی و قاسم زاده، داود، (۱۳۹۶)، جامعه شناسی شادی: رویکرد اجتماعی و شناختی بر مطالعه شادی، تهران: نشر آگاه
- ۵۲ - موسوی، میرطاهر و محمدی، محمد علی، (۱۳۸۸)، مفاهیم و نظریه های رفاه اجتماعی، تهران: دانژه
- ۵۳ نهج البلاغه، گرد آوری سید شریف رضی، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم: پیام مقدس، ۱۳۹۱.
- ۵۴ نقیب زاده، احمد، (۱۳۷۹)، درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، چاپ اول، تهران: سمت.
- ۵۵ - وینسنت، اندرو، نظریه های دولت؛ ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- ۵۶ - وصالی، سیدسعید؛ صفری شالی، رضا؛ معیری، مجتبی (۱۳۹۴)، «قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی (بررسی مسائل و مشکلات موجود در تدوین، تصویب و اجرا)»، فصلنامه پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال اول، شماره ۳، صص ۳۷-۵.
- ۵۷ - وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی (اداره تعاون - کار و رفاه اجتماعی)، سیاستگذاری و برنامه ریزی راهبردی در حوزه های مختلف اجتماعی و رفاهی به نقل از <http://farsmaskan.com>
- ۵۸ - هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، چاپ ششم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- ۵۹ - هیوود، اندرو، (۱۳۸۳)، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: قومس.
- ۶۰ هزار جریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا، آنا تومی رفاه اجتماعی، تهران: جامعه و فرهنگ، ۱۳۹۱.
- ۶۱ - پروس در آغاز منطقه کوچکی بود که شامل شمال لهستان، استان کالینینگراد روسیه و قسمت‌هایی از لیتوانی امروزی می‌شد و بعدها به ایالت‌های پروس شرقی و پروس غربی در امپراتوری آلمان تقسیم شد .
- ۶۲ - پیشینه مشارکت سیاسی، نظریه ها و دیدگاه‌های آن <http://payandaneshjo.ir/>
- ۶۳ - یکشنبه ۲۴ آذر ۱۳۸۷ http://www.aftabir.com/articles/view/politics/political_science/